

## ارتباط اولویت ارزش های اخلاقی و جنسیت در دانشجویان دانشگاه اصفهان

### The relationship between ethical values periorities and gender in students of Isfahan university

**Mohammad Reza Daroon Parvar**

Graduated Bachelor in Psychology, Isfahan University

**Samira Zamani**

MA in Clinical Psychology, Isfahan University

**Nahid Akrami\***

Assistant professor of Psychology, Psychology department, Isfahan university

[n.akrami@edu.ui.ac.ir](mailto:n.akrami@edu.ui.ac.ir)

محمدرضا درون پرور

فارغ التحصیل کارشناسی روان شناسی دانشگاه اصفهان

سمیرا زمانی

کارشناس ارشد روان شناسی بالینی دانشگاه اصفهان

ناهید اکرمی (نویسنده مسئول)

استادیار گروه روان شناسی دانشگاه اصفهان

### Abstract

Values are one of the most critical aspects of personality and social life that determine individual and social behaviors and at the same time, are influenced by these factors. One of these factors can be gender. This study aimed to investigate the relationship between ethical values and gender in students. The statistical population consisted of all of the students at Isfahan University. Sampling was done in a multi-stage randomized manner, and finally, 113 students completed questionnaires. Allport, Vernon, and Lindsey values scale (1951) were used to collect data. Then the data were analyzed using SPSS software by multivariate analysis of variance and ranking of values in men and women. There was a significant difference between two genders in economic and religious values ( $p < 0.05$ ); so that men in economic values and women in the religious values were significantly higher. Also, the ranking of values in the two groups had similarities and differences. The first and the second student's priorities were social and theoretical values and political values was forth. In women, economic values and in men, religious values were in the last grade.

**Keywords:** Ethical Values, Gender, Students

### چکیده

ارزش ها یکی از مهم ترین جنبه های شخصیت و زندگی اجتماعی هستند که رفتارهای فردی و اجتماعی افراد را تعیین کرده و در عین حال، خود متأثر از این عوامل هستند. از جمله این عوامل می توان به جنسیت اشاره کرد. هدف از انجام پژوهش حاضر بررسی ارتباط اولویت ارزش های اخلاقی و جنسیت در دانشجویان بود. جامعه آماری شامل تمامی دانشجویان دانشگاه اصفهان بود. نمونه گیری به صورت تصادفی چند مرحله ای انجام شد و در نهایت به ۱۱۳ نفر از دانشجویان پرسشنامه داده شد. به منظور گردآوری داده ها از پرسشنامه ارزش های آلپورت، ورنون و لیندزی (۱۹۵۱) استفاده گردید. داده های حاصله به کمک نرم افزار SPSS و با استفاده از روش تحلیل واریانس چندمتغیره و بررسی تفاوت رتبه ارزش ها در دختران و پسران تجزیه و تحلیل گردید. یافته ها نشان داد بین دو جنس در ارزش های اقتصادی و مذهبی تفاوت معناداری وجود دارد ( $p < 0.05$ )؛ به گونه ای که دانشجویان پسر در ارزش های اقتصادی و دانشجویان دختر در ارزش های مذهبی به صورت معنی داری بالاتر قرار گرفتند. هم چنین دو گروه در رتبه بندی ارزش ها شباهت ها و تفاوت هایی داشتند. اولویت اول و دوم در هر دو گروه، ارزش های اجتماعی و نظری بود. ارزش های سیاسی نیز برای هر دو گروه در اولویت چهارم قرار داشت. ارزش های اقتصادی در دانشجویان دختر و ارزش های مذهبی در دانشجویان پسر در مرتبه آخر قرار گرفتند.

**واژگان کلیدی:** ارزش های اخلاقی، جنسیت، دانشجویان

ویرایش نهایی: دی ۹۸

پذیرش: آبان ۹۸

دریافت: اردیبهشت ۹۸

نوع مقاله: پژوهشی

### مقدمه

ارزش ها صفات شخصیتی هستند که نشان دهنده تمایلات و انگیزه های نیرومند افراد هستند (شولتز و شولتز، ۱۳۹۴). به عبارت دیگر ارزش ها عبارتند از باورهای گسترده ای که پایه و مبنای زندگی شخص را تشکیل می دهند (برگ، ۲۰۱۸). راس (۲۰۰۷) نیز ارزش ها را جزء ویژگی های شناختی فرد به حساب می آورد. در دیدگاه رفتاری و براساس منابع روان شناسی نیز ارزش به معنای اصلی کلی و انتزاعی و مرتبط با الگوهای رفتار

1 Schultz and Schultz

2 Borg

3 Ross

یک فرهنگ به کار رفته است. این ارزش ها شامل اهداف فردی و اجتماعی مانند آزادی، عدالت و غیره هستند (ربر،<sup>۱</sup> ۱۹۸۵). ارزش ها را براساس معیارهای مختلفی، طبقه بندی کرده اند. برای مثال اسپرانگر<sup>۲</sup> شش نوع ارزش شامل ارزش های نظری (کشف حقیقت، رویکردی تجربی، عقلانی و منطقی به زندگی)، ارزش های اقتصادی (اهمیت ثروت، سودمندی و پیشرفت اقتصادی)، ارزش های زیبایی شناختی (تجربیات هنری، شکل، زیبایی و هماهنگی)، ارزش های اجتماعی (روابط انسانی، نوع دوستی و نیکوکاری)، ارزش های سیاسی (اراده شخصی، نفوذ و مقام و حیثیت در تمام کارها) و ارزش های مذهبی (مسائل مذهبی و شناخت کل دنیا) را شناسایی کرده است (شولتز و شولتز، ۱۳۹۴). آلپورت و همکاران براساس همین طبقه بندی، پرسشنامه بررسی ارزش ها را طراحی کرده اند (شریفیان و مصلی نژاد، ۱۳۹۴).

عوامل بسیاری بر ارزش های افراد تأثیر دارند که از جمله آن ها می توان به جنسیت اشاره نمود. براساس پژوهش ها، ساختار ارزش ها و حتی معنای آن ها در بین زن و مرد به طور معناداری متفاوت است (برگ، ۲۰۱۸). در زمینه تفاوت های جنسیتی در ارزش ها سه دسته نظریه بیان شده است. نخست نظریه ثبات تفاوت هاست که تفاوت های جنسیتی در ارزش ها را به عوامل ژنتیکی یا فیزیولوژیک نسبت می دهد. بر اساس این نظریه تفاوت های فیزیولوژیکی زنان و مردان سبب تفاوت در گرایش های ارزشی آنان می گردد. برای مثال براساس نظریه ریسک-گریز<sup>۳</sup> میلر و استارک<sup>۴</sup> (۲۰۰۲) به دلیل وجود تفاوت های فیزیولوژیکی در زنان و مردان، زنان ریسک گریز تر بوده و بیشتر به مذهب گرایش دارند اما مردان ریسک پذیرتر بوده، بیشتر به سمت کارهای خطرناک می روند و گرایش کمتری به دین دارند. دوم نظریه عدم وجود تفاوت های جنسیتی در ارزش هاست که معتقد است تعاملات اجتماعی باعث ایجاد تفاوت در ارزش ها می شود. زنان و مردان در نتیجه تجارب اجتماعی گوناگونی که در معرض آن ها قرار دارند، ارزش ها و انتظارات متفاوتی را پرورش می دهند (ایزمیل،<sup>۵</sup> ۲۰۱۵). در این رابطه کالت و لیاردو<sup>۶</sup> (۲۰۰۲) براساس نظریه قدرت-کنترل<sup>۷</sup> بر این باورند که در زمینه گرایش های مذهبی، زنان در طبقات اجتماعی بالا در مقایسه با طبقات اجتماعی پایین، گرایش کمتری به دین دارند اما مردان تحت تأثیر طبقه اجتماعی قرار نمی گیرند. سومین رویکرد، رویکرد تعاملی است که هم تفاوت های جنسیتی و هم ساختار زندگی اجتماعی را عامل تفاوت جنسیتی زنان و مردان در ارزش ها می داند (باستانی، ۱۳۸۷).

پژوهشگران در قالب پژوهش های مختلف به بررسی تفاوت های دو جنس در گرایش به ارزش ها پرداخته اند. برای مثال بلاک و همکاران (۲۰۱۸) به این نتیجه رسیدند که بین ارزش های نوجوانان دختر و پسر تفاوت وجود دارد. پسران در مقایسه با دختران برای ارزش های اجتماعی اهمیت کمتر و برای ارزش های فردی اهمیت بیشتری قائل هستند. بلاک و همکاران (۲۰۱۸) و دانلی و تونگ<sup>۸</sup> (۲۰۱۷) نیز نشان دادند مردان کمتر از زنان به ارزش های گروهی اهمیت می دهند. مطابق پژوهش گروش و راو<sup>۹</sup> (۲۰۱۷) و کجاکیت و گنیزی<sup>۱۰</sup> (۲۰۱۷) زنان به طور متوسط گرایش بیشتری به ارزش های اجتماعی دارند. پژوهش برینگ و همکاران (۲۰۱۵) نیز نشان داد زنان اهمیت بیشتری برای ارزش هایی چون روابط معنادار با دیگران، رشد شخصی و رابطه با اجتماع قایل هستند، در حالی که مردان گرایش بیشتری به سمت ارزش هایی چون کسب ثروت، شهرت و داشتن وجهه های خوب در جامعه دارند. پژوهش عزیزی نژاد و نیکفر (۱۳۹۷) نشان داد که بین سلسله مراتب ارزش های مدیران زن و مرد تفاوت وجود دارد. مدیران مرد گرایش بیشتری به ارزش های اقتصادی و سیاسی و مدیران زن گرایش بیشتری به ارزش هنری دارند. هم چنین خلیلی و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که بین ارزش های شخصی دختران و پسران تفاوت معناداری وجود دارد. دختران در مقایسه با

4 Reber

5 Sprunger

6 Alport

3 . Miller &amp; Stark

4 . Ismail

5 . Collet &amp; Lizardo

6 . Power – control

7 . Block

8 . Donnelly and Twenge

9 . Grosch and Rau

1 . Kajackaite and Gneezy 0

1 . Berring 1

پسران برای ارزش‌های جمع‌گرایانه، محافظه‌کارانه، تعالی و سنت‌گرایی (احترام به سنن، دینداری و پذیرش) اهمیت بیشتری قابل هستند. مدیری و آزاد ارمکی (۱۳۹۲) نیز نشان دادند گرایش‌های مذهبی در زنان بیشتر از مردان دیده می‌شود. سراجی و همکاران (۱۳۹۱) نیز به این نتیجه رسیدند که اولویت‌های نظام ارزشی دانش‌آموزان دختر و پسر با یکدیگر تفاوت چندانی ندارد، اما تفاوت‌هایی در شدت تأکید بر ارزش‌ها دیده می‌شود. در دختران میزان تأکید بر ارزش‌های هنری، اجتماعی و مذهبی و در پسران تأکید بر ارزش‌های سیاسی، نظری و اقتصادی بیشتر است. همچنین آن‌ها بیان کردند که بین اولویت‌های ارزشی معلم‌های زن و مرد تفاوت وجود دارد؛ معلم‌های زن بیشتر به ارزش‌های نظری، هنری و مذهبی و معلم‌های مرد بیشتر به ارزش‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی اولویت می‌دهند.

گرایش‌ها و اولویت‌های ارزشی دانشجویان به عنوان آینده‌سازان کشور می‌تواند نشانگر دورنمای جامعه در سال‌های آتی و برنامه‌های پیش روی جامعه باشد. همچنین از آنجایی که زنان و مردان همواره واجد تفاوت‌هایی در ویژگی‌ها، تفکرات، ارزش‌ها و گرایش‌های خود بوده‌اند؛ بررسی پدیده‌های گرایش‌ها و اولویت‌های ارزشی در بستر زمانی کنونی به تفکیک جنسیت و مقایسه آن‌ها در بردارنده نوعی جمع‌بندی از نیازهای این قشر از جامعه، تربیت و آموزش‌های دریافت شده و برنامه‌ریزی آن‌ها برای آینده جامعه خواهد بود. بر این اساس و به منظور انجام این جمع‌بندی، هدف پژوهش حاضر بررسی ارتباط اولویت ارزش‌های اخلاقی و جنسیت در دانشجویان دانشگاه اصفهان است.

## روش

جامعه آماری در این پژوهش شامل تمامی دانشجویان دانشگاه اصفهان بود. نمونه‌گیری به صورت تصادفی چند مرحله‌ای انجام شد. به این صورت که ابتدا چند دانشکده به صورت تصادفی انتخاب و سپس به ۱۱۳ نفر از دانشجویان پرسشنامه داده‌شد. به منظور جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه بررسی ارزش‌های آلپورت، ورنون و لیندزی (۱۹۵۱) استفاده گردید. سپس داده‌های حاصله به کمک نرم‌افزار SPSS و با استفاده از روش تحلیل واریانس چندمتغیره و بررسی تفاوت رتبه ارزش‌ها در دانشجویان دختر و پسر تجزیه و تحلیل گردید.

## ابزار سنجش

**آزمون بررسی ارزش‌های آلپورت، ورنون و لیندزی**<sup>۱</sup> آلپورت، ورنون و لیندزی در سال ۱۹۵۱ به منظور بررسی ارزش‌های افراد، پرسشنامه بررسی ارزش‌ها را طراحی کردند. این آزمون شامل دو قسمت است. قسمت اول شامل ۳۰ سؤال دو گزینه‌ای است و هر سؤال ۳ امتیاز دارد. آزمودنی گزینه الف یا ب را با امتیازات (۰) و (۳) یا (۱) و (۲) پاسخ می‌دهد. به این ترتیب که اگر با اطمینان یکی از گزینه‌ها را بر دیگری ترجیح دهد، به یک گزینه امتیاز (۲) و به گزینه دیگر امتیاز (۱) می‌دهد. قسمت دوم آزمون شامل ۱۵ سؤال چهار گزینه‌ای است که آزمودنی بر حسب میزان رجحان یکی بر دیگری به آن‌ها امتیازهای ۱، ۲، ۳ یا ۴ می‌دهد. در نهایت، مجموع نمرات به دست آمده در ارتباط با هر ارزش نمایانگر آن است که از مجموع ارزش‌های نظری، اقتصادی، زیبایی‌شناختی، اجتماعی، سیاسی و مذهبی کدام یک در نظر فرد بر دیگری ارجح است. آلپورت (۱۹۶۰) با استفاده از روش تصنیف، ضریب پایایی این پرسشنامه را ۰/۸۴ و ۰/۹۳ گزارش کرده‌است. در پژوهش‌های داخلی نیز ولیخانی و همکاران (۱۳۹۲) پایایی این پرسشنامه را با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۸۴۳ گزارش کردند که نشانگر پایایی خوب این ابزار است. در پژوهش سراجی و همکاران (۱۳۹۱) نیز روایی پرسشنامه توسط ۵ متخصص مورد تأیید قرار گرفت.

## یافته‌ها

دانشجویان پسر ۵۲/۲ درصد نمونه و دانشجویان دختر ۴۷/۸ درصد نمونه را تشکیل می‌دادند. در ابتدا به منظور بررسی پیش‌فرض‌های آماری لازم برای استفاده از آزمون‌های پارامتریک، نتایج آزمون نرمال بودن توزیع نمرات، آزمون لوین مبتنی بر تساوی واریانس‌ها و آزمون باکس جهت بررسی برابری کوواریانس‌ها ارائه شده‌است. سپس با استفاده از روش تحلیل واریانس چند متغیره و تک متغیره به بررسی فرضیه‌های پژوهش پرداخته شده‌است. یافته‌های توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش به تفکیک دو جنس در جدول ۱ ارائه شده‌است.

جدول ۱- یافته‌های توصیفی متغیرهای پژوهش به تفکیک دو جنس

دانشجویان دختر		دانشجویان پسر		گروه‌ها	ارزش‌ها
۳۷/۷۵	۳۹/۶۲	میانگین	سیاسی		
۵/۷۹	۴/۴۹	انحراف استاندارد			
۴۵/۸۶	۴۶/۲۳	میانگین	اجتماعی		
۵/۹۱	۵/۸۷	انحراف استاندارد			
۳۸/۴۳	۳۷/۷۳	میانگین	هنری		
۸/۰۹	۷/۰۸	انحراف استاندارد			
۳۷/۰۸	۴۱/۳۴	میانگین	اقتصادی		
۶/۴۵	۷/۵۹	انحراف استاندارد			
۴۲/۳۱	۴۲/۲۵	میانگین	نظری		
۶/۵۸	۶/۰۵	انحراف استاندارد			
۳۷/۱۹	۳۳/۲۵	میانگین	مذهبی		
۷/۷۸	۸/۰۰۱	انحراف استاندارد			

همان گونه که در جدول ۱ مشاهده می‌گردد، ارزش‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی در دانشجویان پسر بالاتر از دانشجویان دختر است در حالی که ارزش‌های هنری، نظری و مذهبی در دختران بالاتر است. به منظور بررسی نرمال بودن توزیع نمرات همسان با جامعه، از آزمون کلموگروف اسمیرنوف استفاده گردید. نتایج حاصل در مورد نمرات متغیر پژوهش به تفکیک دو جنس نشان داد فرض صفر مبنی بر نرمال بودن توزیع ارزش‌ها باقی مانده است و لذا داده‌ها نرمال هستند (سطوح معنی‌داری بیشتر از ۰/۰۵). به منظور بررسی برابری واریانس‌های گروه‌ها از آزمون لوین استفاده شد. نتایج آزمون لوین در متغیرهای پژوهش بر اساس جنسیت نشان داد که این پیش فرض در مورد همه ارزش‌ها تأیید شده است (سطح معنی‌داری بیشتر از ۰/۰۵). آزمون باکس جهت بررسی برابری کوواریانس‌ها نیز نشان داد که این پیش فرض در بررسی ارزش‌ها تأیید شده است ( $F=۳/۳۵$ ,  $M=۷۴/۷۲$ ,  $sig=۰/۰۵۵$ ). جهت بررسی تفاوت افراد نمونه بر اساس جنسیت در ارزش‌ها از تحلیل واریانس چند متغیره استفاده شده است. نتایج در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲- نتایج تحلیل واریانس چند متغیره ارزش‌ها بر اساس جنسیت

منبع	ضریب لامبدا	F	درجه آزادی فرض	درجه آزادی خطا	معنی داری	اندازه اثر	توان آماری
جنسیت	۰/۸۵	۲/۳۰۳	۶	۱۰۶	۰/۰۳۹	۰/۱۱۵	۰/۷۷۹

بر اساس یافته‌های به دست آمده در جدول ۲، حداقل در یکی از میانگین نمرات ارزش‌های دانشجویان دختر و پسر تفاوت معنی‌داری وجود دارد ( $P<۰/۰۵$ ). با توجه به نتایج حاصل، نزدیک به ۱۱/۵ درصد از تفاوت‌های فردی در ارزش‌ها به تفاوت بین دو جنس ارتباط دارد. توان آماری برابر با ۷۷/۹ درصد به دست آمده است که نشان‌دهنده دقت مناسب آزمون در بررسی فرضیه‌ها و کافی بودن حجم نمونه در بررسی فرضیه است. نتایج تحلیل واریانس تک متغیره بررسی تفاوت افراد در ارزش‌ها بر اساس جنسیت در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳- نتایج تحلیل تک متغیره ارزش‌ها در جنسیت

ارزش‌ها	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	معنی داری	حجم اثر	توان آماری
سیاسی	۹۸/۳۷	۱	۹۸/۳۷	۳/۰۹۲	۰/۰۸۱	۰/۰۲۷	۰/۴۱۴
اجتماعی	۳/۹۹	۱	۳/۹۹	۰/۱۱۵	۰/۷۳۵	۰/۰۰۱	۰/۰۶۳
هنری	۱۳/۷۳	۱	۱۳/۷۳	۰/۲۳۹	۰/۶۲۶	۰/۰۰۲	۰/۰۷۷
اقتصادی	۵۱۲/۶۵	۱	۵۱۲/۶۵	۱۰/۲۴۴	۰/۰۰۲	۰/۰۸۴	۰/۸۸۷
نظری	۰/۱۰۳	۱	۰/۱۰۳	۰/۰۰۳	۰/۹۵۹	۰/۰۰۱	۰/۰۰۵
مذهبی	۴۳۷/۷۲۹	۱	۴۳۷/۷۲۹	۴/۷۴۸	۰/۰۳۱	۰/۰۴۱	۰/۷۲۵

نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد تفاوت میانگین نمرات ارزش اقتصادی و مذهبی در دانشجویان دختر و پسر معنی‌دار به دست آمده است ( $p < 0/05$ ). اما تفاوت افراد با دو جنس در ارزش‌های سیاسی، اجتماعی، هنری و نظری معنی‌دار به دست نیامده است. میزان تأثیر جنسیت در ارزش اقتصادی برابر با ۸/۴ درصد و در ارزش مذهبی ۴/۱ درصد است. لذا در یک نتیجه‌گیری، دانشجویان پسر در ارزش‌های اقتصادی و دانشجویان دختر در ارزش‌های مذهبی به صورت معنی‌داری بالاتر قرار گرفته‌اند.

مقایسه رتبه‌بندی ارزش‌ها در جدول ۴ ارائه شده است. نتایج نشان داده است که دانشجویان پسر و دختر در ارزش‌های هنری، اقتصادی و مذهبی تفاوت رتبه‌بندی دارند.

جدول ۴- مقایسه رتبه‌بندی ارزش‌ها

گروه‌ها	ارزش‌ها	سیاسی	اجتماعی	هنری	اقتصادی	نظری	مذهبی
دانشجویان پسر	۴	۱	۵	۳	۲	۶	
دانشجویان دختر	۴	۱	۳	۶	۲	۵	
تفاوت رتبه‌ها	۰	۰	۲	۳	۰	۱	

### بحث و نتیجه‌گیری

هدف از انجام پژوهش حاضر بررسی ارتباط اولویت ارزش‌های اخلاقی و جنسیت در دانشجویان بود. یافته‌های پژوهش نشان داد تفاوت میانگین نمرات ارزش اقتصادی و مذهبی در دو جنس معنی‌دار است. دانشجویان پسر در ارزش‌های اقتصادی و دانشجویان دختر در ارزش‌های مذهبی به صورت معنی‌داری نمرات بالاتری داشتند. اما افراد دو جنس در ارزش‌های سیاسی، اجتماعی، هنری و نظری تفاوت معنی‌داری را نشان ندادند. این یافته با پژوهش‌های قبلی مانند عزیزی‌نژاد و نیکفر (۱۳۹۷) و سراجی و همکاران (۱۳۹۱) که معتقدند در زنان ارزش‌های مذهبی و در مردان ارزش‌های اقتصادی بالاتر است، همسو است. از سوی دیگر یافته‌های مربوط به تفاوت رتبه‌بندی ارزش‌ها نشان داد دانشجویان دختر به ترتیب برای ارزش‌های اجتماعی، نظری، هنری، سیاسی، مذهبی و اقتصادی و دانشجویان پسر برای ارزش‌های اجتماعی، نظری، اقتصادی، سیاسی، هنری و مذهبی اهمیت قائل بودند. این رتبه‌بندی با پژوهش عزیزی‌نژاد و نیکفر (۱۳۹۷) و سراجی و همکاران (۱۳۹۱) متفاوت است. عزیزی‌نژاد و نیکفر (۱۳۹۷) برای مردان رتبه‌بندی مذهبی، اجتماعی، اقتصادی، نظری، سیاسی و هنری و برای زنان رتبه‌بندی مذهبی، اجتماعی، نظری، اقتصادی، سیاسی و هنری را گزارش کرده‌اند. پژوهش سراجی و همکاران (۱۳۹۱) رتبه‌بندی ارزش‌ها را در دبیران مرد اجتماعی، نظری، اقتصادی، هنری، مذهبی و سیاسی و در دبیران زن نظری، اجتماعی، مذهبی، هنری، اقتصادی و سیاسی گزارش کرده است.

با توجه به نظر فرانکل که ارزش‌ها متناظر با معنای زندگی افراد و بازنمایی شناختی نیازهای آن‌هاست، از تفاوت‌های موجود می‌توان تفاوت معنای زندگی و تفاوت نیازهای نمونه مورد بررسی را برداشت کرد. از دیگر سو شباهت‌های موجود نیز ناظر به شباهت نیازها در بسیاری از حوزه‌هاست. رتبه‌بندی ارزش‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد در ارزش‌های اجتماعی و نظری هر دو گروه به ترتیب رتبه اول و دوم را کسب کرده‌اند. به همین ترتیب رتبه ارزش‌های سیاسی نیز در هر دو گروه «چهارم» است. به این ترتیب، جامعه مورد بررسی یعنی دانشجویان دانشگاه اصفهان از جهت توجه به ارزش‌ها و داشتن ارزش‌های اجتماعی، نظری و سیاسی در یک رتبه قرار گرفته‌اند. این رتبه‌بندی با پژوهش شریفیان و مصلی‌نژاد (۱۳۹۴) که نشان دادند در داوطلبان ورود به رشته تربیت بدنی، ارزش‌های نظری و اجتماعی در رتبه اول و دوم قرار دارند همسو است.

دانشگاه به دلیل ماهیت خاص خود می‌تواند فرصت‌های متعددی برای امور علمی و هم‌چنین تعاملات اجتماعی فراهم آورد. از این رو ارزش‌های نظری و اجتماعی در مرتبه بالایی قرار دارند (شریفیان و مصلی‌نژاد، ۱۳۹۴). هم‌چنین شاید در اولویت بودن ارزش‌های نظری با توجه به انتظار جامعه از گروه مورد مطالعه برای توجه به مسایل علمی و هم‌چنین اهمیتی که این دو گروه برای دانستن، کشف و روشن‌گری مسایل قابل هستند، قابل تبیین باشد. اینکه دو گروه نخست دغدغه‌های اجتماعی (و نه فردی) دارند را می‌توان با نگاه مثبت‌نگریست و اینکه ارزش‌های نظری هر دو گروه در رتبه دوم قرار گرفته‌است، با توجه به دانشجو بودن نمونه مورد بررسی قابل پیش‌بینی و انتظار است. اما در خصوص توجه به مسایل سیاسی از جانب دو گروه دانشجویان دختر و پسر نتایج پژوهش نشان داد در هر دو گروه ارزش‌های سیاسی در رتبه چهارم قرار گرفتند. یافته حاضر با



پژوهش عزیز نژاد و نیکفر (۱۳۹۷) و سراجی و همکاران (۱۳۹۱) که نشان دادند اولویت ارزش های سیاسی در مردان بالاتر از زنان است، متفاوت است. می توان علت این تفاوت نتایج را به جامعه و نمونه های مورد بررسی نسبت داد. در پژوهش حاضر جامعه و نمونه را دانشجویان تشکیل می دادند. به نظر می رسد در این مقطع تحصیلی، حساسیت دختران نسبت به مسائل سیاسی افزایش یافته و دو گروه در این خصوص شباهت بیشتری به یکدیگر پیدا می کنند. اما در سنین بالاتر و با مطرح شدن ارزش های دیگر برای دختران، می توان مجدداً شاهد کاهش اولویت ارزش های سیاسی برای آن ها بود؛ هم چنان که پژوهش عزیز و نیکفر (۱۳۹۷) بیانگر آن است.

اما در رتبه سوم دانشجویان پسر «ارزش های اقتصادی» و دانشجویان دختر «ارزش های هنری» را نشان می دهند. اهمیت دادن بیشتر پسران به ارزش های اقتصادی و دختران به ارزش های هنری با پژوهش های قبلی از جمله عزیز نژاد و نیکفر (۱۳۹۷) و سراجی و همکاران (۱۳۹۱) که نشان دادند دختران برای ارزش های هنری و پسران برای ارزش های اقتصادی اهمیت بیشتری قایلند همسو است. می توان اهمیت ارزش اقتصادی در نگاه پسران را به ویژگی های فرهنگی جامعه، ساختار ذهن مردان و مسئولیت های اجتماعی-اقتصادی آنان نسبت داد. جامعه و هنجارهای اجتماعی از مردان تأمین هزینه های زندگی و از زنان خصوصیات زیبایی شناختی را انتظار دارد. همچنین براساس نظریه ثبات تفاوت ها که تفاوت های جنسیتی در ارزش ها را به عوامل ژنتیکی و فیزیولوژیکی نسبت می دهد، مردان به لحاظ عوامل زیستی گرایش بیشتری به امور اقتصادی و زنان به امور هنری دارند. خواه تبیین زیستی و خواه اجتماعی باشد، در نمونه حاضر دختران ارزش های هنری و پسران ارزش های اقتصادی را درونی و ارزش گذاری کرده اند.

رتبه های پایانی در دو گروه شاید ناظر به اهمیت کمتر این ارزش ها در نمونه مورد بررسی باشد. در مردان به ترتیب ارزش های هنری و مذهبی در رتبه پنجم و ششم و در دختران به ترتیب ارزش های مذهبی و اقتصادی در رتبه پنجم و ششم قرار می گیرند. ارزش های هنری در نگاه اکثریت پسران در نمونه مورد بررسی و ارزش های اقتصادی در نگاه دختران جزء آخرین نیازهاست. علی رغم اینکه بیشتر هنرمندان برجسته در بین مردان رشد یافته و یا امکان رشد بیشتری داشته اند، اما به طور میانگین زنان بیشتر از مردان نگاه هنری و زیبایی شناختی دارند. رتبه بالای ارزش های اقتصادی (به معنای ارزش کمتر) بیانگر دغدغه کمتر اکثریت دختران در این خصوص است.

اما قرار گرفتن ارزش های مذهبی در رتبه بالاتر شاید تحت تأثیر شرایط اجتماعی موجود باشد و شاید بتوان آن را به گسترش استفاده از اینترنت و ماهواره (که تأثیری منفی و معکوس بر جهت گیری ارزشی افراد دارد و منجر به کاهش گرایش ها و پایبندی دینی آنان می شود) نسبت داد. هم چنین می توان بیان کرد بخشی از جوانان جامعه به تدریج به سوی سبک زندگی مادی گرایانه و به دور از ارزش های معنوی کشیده شده اند. شاید بتوان علت این امر را به رواج فرهنگ غربی و تقلید جوانان از آن نسبت داد. شاید هم بتوان دلیل آن را فشارهای بیش از اندازه بخش های افراطی و تندروی جامعه بر جوانان دانست که سبب می شود جوانان از ارزش های کلاسیک معنوی دورتر شوند. با این حال در همین رتبه بندی موجود نیز نمرات دختران تفاوت معناداری با پسران دارد که این تفاوت مؤید پژوهش های قبلی از جمله خلیلی و همکاران (۱۳۹۵) و آزاد ارمکی و مدیری (۱۳۹۲) در خصوص گرایش های مذهبی بیشتر در جامعه زنان و دختران نسبت به مردان و پسران است. گرایش مذهبی بیشتر در دختران را می توان براساس نظریه ریسک-گریز میلر و استارک (۲۰۰۲) بر این اساس که زنان ریسک گریزتر بوده و تمایلات مذهبی بیشتری دارند و نظریه قدرت-کنترل کالت و لیزاردو (۲۰۰۹) که در گرایش های مذهبی، زنان بیشتر تحت تأثیر خانواده خود قرار دارند تبیین نمود. هم چنین می توان گفت شاید دختران به دلیل جایگاه اجتماعی و محدودیت هایی که دارند محافظه کار بوده و تلاش می کنند مورد تایید خانواده و جامعه باشند. از این رو کمتر نظرات مخالف خود را ابراز می نمایند. این تفاوت می تواند به دلایل دیگری نیز چون تفاوت در روش تربیتی والدین، تفاوت در رشد اخلاقی و نوع نگرش و تصورات اجتماعی نسبت به جنسیت باشد.

از جمله کاربردهای این پژوهش می توان به این مورد اشاره کرد که مشخص شدن اولویت های ارزشی در گروه های مختلف از جمله دانشجویان می تواند بیانگر شرایط و گرایش های ارزشی افراد جامعه باشد. این گونه اطلاعات هم امکان نقد عملکرد فرهنگی را فراهم ساخته و هم می تواند راهنمای مسئولان برای برنامه ریزی فرهنگی به منظور رسیدن به شرایط مطلوب ارزشی باشد. لازم به ذکر است با توجه به اینکه اولویت های ارزشی

تا حد زیادی از شرایط اجتماعی و فرهنگی اثر می‌پذیرند، نتایج این‌گونه پژوهش‌ها از جمله پژوهش حاضر، بیانگر شرایط زمانی خاصی است و در تعمیم آن به شرایط زمانی دیگر و متفاوت باید احتیاط نمود.

## منابع

- باستانی، س. (۱۳۸۷). جنسیت، فرهنگ، ارزش‌ها و نگرش‌ها. تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- خلیلی، ش، غلامعلی لواسانی، م، سرمودی سلطان، و. و زارعی میانکلی، ف. (۱۳۹۵). بررسی رابطه ارزش‌های شخصی، بنیان‌های اخلاقی و نگرش‌های دینی و مقایسه آن در دختران و پسران. اولین کنفرانس بین‌المللی روانشناسی و علوم اجتماعی. تهران: شرکت خدمات برتر.
- راس، آ. (۲۰۰۷). روانشناسی شخصیت. ترجمه: سیاوش جمالفرد. تهران: نشر روان.
- سراجی، ف، یار محمدی واصل، م. و مسعود میدانچی، ر. (۱۳۹۱). شناسایی و مقایسه نظام ارزشی دانش‌آموزان و دبیران مدارس متوسطه شهر همدان، علوم تربیتی دانشگاه شهید چمران اهواز، ۶(۱)، ۴۶-۲۳.
- شریفیان، ا. و مصلی نژاد، م. ع. (۱۳۹۴). ارزیابی سلسله مراتب ارزش‌ها و منابع تأثیرگذار بر باورهای داوطلبان ورود به رشته تری بدنی، مدیریت ورزشی، ۷(۵)، ۶۳۷-۶۵۵.
- شولتز، د. پ. و شولتز، س. ا. (۱۳۹۴). نظریه‌های شخصیت. ترجمه: یحیی سید محمدی. تهران: نشر ویرایش.
- عزیزی نژاد، ب. و نیکفر، ن. (۱۳۹۷). بررسی روابط بین رجحان‌های ارزشی و سبک‌های پنج‌گانه تصمیم‌گیری مدیران تربیت بدنی، پژوهش‌های کاربردی در مدیریت ورزشی، ۷(۲۵)، ۴۵-۵۶.
- مدیری، ف. و آزاد ارمکی، ت. (۱۳۹۲). جنسیت و دینداری، جامعه‌شناسی کاربردی، ۲۴(۵۱)، ۱-۱۴.
- ولیکانی، م، سعادت فر، ح. و رحیمی، ع. ا. (۱۳۹۲). شناسایی ارزش‌های کارکنان بر اساس نظریه سیستم ارزشی آلپورت (مطالعه موردی: دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد)، مجله دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، ۱۵(۶)، ۱۵۸-۱۵۰.
- Allport, G. W., Vernon, P. E. & Lindsey, G. (1960). *study of values*. Boston: Houghston Mifflin.
- Arweck, E. & Nesbitt, E. (2004). Value education: The development and classroom use of an educational programme, *British Educational Research Journal*, 30, 245-261.
- Berring, L., Kumari, S. & Ahuja, S. (2015). Personal Values, Gender Differences and Academic Preferences: An Experimental Investigation, *International Journal of Applied Psychology*, 5(5): 133-140.
- Block, K., Gonzalez, A. M., Schmader, T. & Baron, A. S. (2018). Early Gender Differences in Core Values Predict Anticipated Family Versus Career Orientation, *Psychological Science*, 1-8.
- Block, K., Croft, A. & Schmader, T. (2018) Worth Less?: Why Men (and Women) Devalue Care-Oriented Careers. *Frontiers in Psychology*, 9, 1-20
- Borg, I. (2018). Age- and gender-related differences in the structure and the meaning of personal values. *Personality and Individual Differences*, 138, 336-343.
- Collet, J.L. & Lizardo, O. (2009) A Power – control Theory of gender and Religiosity. *Journal for the Scientific Study of Religion*, 48(2), 213-231.
- Donnelly, K. & Twenge, J. M. (2017). Masculine and feminine traits on the bem sex-role inventory, 1993 – 2012: a cross-temporal meta-analysis. *Sex Roles*, 76, 556-565.
- Grosch, K. & Rau, H. A. (2017). Gender Differences in Honesty: The Role of Social Value Orientation, *Journal of Economic Psychology*,
- Ismail, H. (2015). Gender differences in personal values: a business perspective. *International Journal of Commerce and Management*, 25(4), 687-698.
- Kajackaite, A. & Gneezy, U. (2017). Incentives and cheating. *Games and Economic Behavior*, 102, 433-444.
- Miller, A. & Stark, R. (2002). Gender and Religiousness: Can Socialization Explanations be Saved. *American Journal of Sociology*, 107, 1399 – 1423.
- Reber, A. S. (1985). *Dictionary of psychology*. Tehran: Roshd Publisher



شپوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی